

یکی از جلوه گاه های ادبیات پایداری، ادبیات عاشورایی است و کربلا صفحه ی ایستادگی، پاکبازی و دفاع از آرمان های مقدس است.

«پرویز خرسند» نویسنده ی معاصر، نوشته هایش بیشتر درباره ی عاشورا است، از آثار او می توان به « برزیگران دشت خون» ، «آنجا که حق پیروز است» و «مرثیه ای که ناسروده ماند» اشاره کرد درس خون خورشید برگرفته است از کتاب «آن جا که حق پیروز است».

مضمون درس : عاشورا و کربلا

واژه نامه و توضیحات:

شبهه: صدای اسب انس بن حارث: از صحابه و یاران حضرت رسول

سوسو: نور کم مشعر: محل انجام مناسک حج

ناگسستی: پاره نشدنی عرفات: محلی در نزدیکی مکه که حجاج روز نهم ذی الحجّه در آنجا توقّف می کنند.

رسوخ می کرد: نفوذ می کرد تائی: آرامش

تأثر آمیز: آمیخته با اندوه برومند: رشید و توانا

اشاعه: فاش کردن آخته: از غلاف کشیده

کاروان سالار: بزرگ و رئیس کاروان برفگون: سفید

نافذ: گیرا

آرایه) دامن گستردن شب، خزیدن نسیم: همه شخصیت بخشی دارند

سقف آسمان: اضافه

چشم ماه: اضافه استعاری

پرده ی شب: اضافه تشبیهی

بذر محبت: اضافه تشبیهی

رنگ غم: اضافه تشبیهی

بانگ جرس

حمید سبزواری: (متولد ۱۳۰۴ سبزواری) از شاعران انقلاب اسلامی، از آثار او می توان به «سرود درد» و «سرود سپید» اشاره کرد. مضمون درس: پیوند میان انقلاب اسلامی ایران و پایداری مردم فلسطین و جهاد با بیگانگان .

قالب و قافیه: شعر بانگ جرس در قالب مثنوی است و هر بیت قافیه ای جداگانه دارد.

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

لغات) برگ: زاد و توشه سفر / باره: اسب / خاره: سنگ سخت

دستور) فعل در مصراع دوم دل بستن بر چیزی است.

آرایه) در مصراع اول کنایه و در مصراع دوم جناس ناقص افزایشی (خار و خاره)

معنی) هنگام آن رسیده است که آماده سفر شویم و عزم کنیم تا از تمام مشکلات و موانع سفر عبور کنیم.

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

لغات) کران: کناره، جانب / رحیل: کوچ، سفر / جرس: زنگ /

دستور) بانگ رحیل: ترکیب اضافی / من: نقش متممی دارد.

آرایه) بانگ، رحیل، گوش، جرس و خموش تناسب دارند.

معنی) از هر جانب فریاد کوچ و سفر کردن به گوش می رسد، زنگ کاروان به صدا در آمده است و وای بر من که هنوز حرکت نکرده ام.

دریا دلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند

لغات) دریادل: ترس، شجاع / راهور: تندرو /

آرایه) پا در رکاب داشتن کنایه از آماده ی تاختن

معنی) رزمندگان دلیر سفر را آغاز کردند، پا در رکاب اسب نهاده و آماده ی هجوم و تاختن هستند

گاه سفر آمد برادر ره دراز است پروا مکن بشتاب همّت چاره ساز است

لغات) پروا: ترس / همّت: کوشش /

دستور) برادر: منادا

معنی) هنگام سفر ای برادر راه طولانی است تردید نکن بشتاب که کوشش و تلاش کار ساز است.

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم

لغات) دامن: دامنه ی کوه و بیابان / وادی ایمن: صحرا و بیابانی در کنار کوه طور که ندای خداوند در آنجا به موسی رسید

آرایه) وادی ایمن: استعاره از فلسطین

معنی) وقت سفر است باید اسب بتازانیم تا سرزمین فلسطین که شایسته ی زیارت است پیش برویم.

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

لغات) قبطیان: از اقوام کهن مصری / موسی: پیامبر بنی اسرائیل / نیل: رودی در مصر

آرایه) فرعونیان و قبطیان: استعاره از صهیونیست ها / موسی: استعاره از امام خمینی / نیل: دشواری راه

معنی) سرزمین فلسطین پر است از صهیونیست های اشغالگر، امام خمینی هم چون موسی راهنما است و دشواریهای فراوانی بر سر راه قرار دارد.

تنگ است ما راخانه تنگ است ای برادر بر جای ما بیگانه تنگ است ای برادر

آرایه) تنگ و تنگ: جناس ناقص /

معنی) به خاطر اشغال دشمن، این خانه بر ما تنگ و ملال آور شده و تنگ است که بیگانه ای بر جای ما نشسته باشد.

فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید

لغات) اهریمن: دیو و شیطان

آرایه) تلمیح به داستان حضرت سلیمان و دیوی که انگشتری آن حضرت را ربود و بر تخت وی نشست.

اهریمن: استعاره از اسرائیل

از امام دستور رسیده است که آن سرزمین(قدس) را از دست دشمن آزاد کنید و صهیونیست ها را از آنجا بیرون کنید.

یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

لغات) کلیم: حضرت موسی / آهنگ: قصد / سامری: پس از رفتن حضرت موسی به کوه طور، مردی به نام سامری گوساله ای از

طلا ساخت و مردم را به پرستش آن فراخواند. بعد از بازگشت، حضرت موسی آن را تکه تکه کرد. (تلمیح)

معنی) موسی (حضرت امام) قصد نابودی سامری (اسرائیل) را دارد ای هم‌زمان باید رهبر را یاری کنیم.

حکم جلودار است بر هامون بتازید هامون اگر دریا شود از خون بتازید

لغات) جلو دار: رهبر / هامون: صحرا/

آرایه) هامون و دریا: تضاد

معنی) حکم رهبر است که بر سرزمین دشمن حمله برید و اگر آن دشت دریایی از خون شود باز پیش بروید

فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ باردگو بیارد نیست دشوار

لغات) فرض: واجب

معنی) اطاعت از حکم رهبر واجب است حتی اگر شمشیر و نیزه بیارد مبارزه دشوار نیست باید جنگید.

جانان من برخیز و آهنگ سفر کن گر تیغ بارد گو بیارد جان سپر کن

معنی) ای عزیزم برخیز و عزم سفر کن اگر شمشیر و نیزه بیارد از جان مایه بگذار و بجنگ

جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

لغات) جولان: قسمتی از بلندی های کشور سوریه، شتابان

آرایه) جولان با دو معنی دارای جناس تام است.

معنی) ای دوست من بلند شو تا به سوی بلندی های جولان حرکت کنیم و از آنجا تا حد لبنان شتابان برویم.

آن جا که هر سو صد شهید خفته دارد آن جا که هر کویش غمی بنهفته دارد

معنی) آن سرزمین که در هر طرفش صد شهید در خاک خفته است و هر کوچه و محله اش غم و دردی پنهان در خود دارد.

جانان من اندوه لبنان کشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

لغات) دیر یاسین: روستایی در فلسطین اشغالی

معنی) اندوه لبنان ما را کشت و کشتار مردم دیر یاسین از شدت غم و غصه کمر ما را شکست.

باید به مژگان رفت گرد از طور سینین باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین

لغات) طور سینین: کوه سینا

آرایه) رفت و رفت: جناس ناقص

معنی) باید از سرزمین فلسطین محافظت کرد گردش را با مژه جارو کرد و سینه خیز تا فلسطین (اگر نیاز باشد) برویم.

جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش آنک امام ما عَلم بگرفته بر دوش

لغات) چاووش: پیشرو لشکر / آنک: اکنون / علم بر دوش گرفتن: آماده برای حرکت

معنی) عزیز من بلند شو و بانگ سالار لشکر را بشنو اکنون امام ما پرچم بر دوش آماده حرکت به سوی دشمن است.

تکبیر زن لبیک گو بنشین به رهوار مقصد دیار قدس همپای جلودار

معنی) الله اکبر گویان و لبیک گویان بر اسب تندرو سوار شو و همراه امام به سوی دیار قدس حرکت کن.

خود آزمایی درس هشتم

۱- دو نمونه از توصیف های چشمگیر درس «خون خورشید» را پیدا کنید.

الف - نسیمی آهسته و آرام به روی سینه اش می خزید

ب - سوسوی چند مشعل پرده ی سیاه شب را می درید و پیش می رفت.

۲- آیا می توان شعر «بانگ جرس» را نوعی حماسه دانست؟ چرا؟

بله، زیرا برخی از ویژگی های حماسه را دارد از جمله: شرح دلاوری ها، شجاعت ها، ملی بودن و زبان و لحن حماسی.

۳- در بیت زیر، منظور شاعر از فرعونیان و قبطیان و موسی (ع) چیست؟

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

فرعونیان و قبطیان: صهیونیست ها / موسی (ع): حضرت امام خمینی (ره)

۴- دو چهره ی ایثارگر کربلا (پیر و جوان) را در دو بند معرفی کنید.

- حبیب ابن مظاهر: از یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا شهید شد از کسانی بود که برای امام حسین نامه نوشتند و امام را به

کوفه خواندند و از کسانی بود که بر سر پیمان خود ماند.

- حضرت قاسم فرزند امام حسن (ع): که در روز عاشورا به شهادت می رسد و او مرگ را از عسل شیرین تر می داند.

۵- دو نمونه از آرایه ی ادبی در درس را نشان دهید.

جناس: جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

تلمیح: فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید تخت و نگین از دست اهریمن بگیریم